

تصویر کلان

حکمرانی و سیاست گذاری



اقتصاد کلان



محیط کسب و کار



صنعت



معدن




کشاورزی



خدمات





فضای حکمرانی و سیاست‌گذاری اقتصادی در سال ۱۴۰۱

ایفا کند و به جای تمرکز بر اولویت‌ها عمدتاً به مسائل کم اولویت با رویکرد بخشی‌نگر پرداخته است؛ طوری که در نگاه کارکنان موثر هر یک از سه قوه، تبدیل به رقیبی برای آنان شده است. تیم اقتصادی دولت عامل مهم دیگر، در شکل‌دهی به زیست‌بوم کسب‌وکارها و فعالیت‌های اقتصادی است. شرط لازم ایفای نقش صحیح دولت در اقتصاد، توان مدیریتی-اجرایی کافی، انسجام و هماهنگی تیم اقتصادی و توافق بر سیاست‌ها و تصمیمات راهبردی صحیح در حوزه اقتصاد، است. رویکرد چپ‌زده و ضدتوسعه اقتصادی که در فضای روشنفکری ایران رواج داشته، همواره سیاست‌گذاران اصلی کشور را با چالش مقبولیت سیاست‌های توسعه‌ای روبرو ساخته و به تذبذب آن‌ها در سیاست‌گذاری دامن زده است. این امر در چينش کابینه دولت‌های اخیر نیز مشهود است. به عنوان مثال، حضور چهره‌های آزادی‌خواه اقتصادی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم در کنار چهره‌های دولت‌گرا و جنگ دائمی آن‌ها سبب

عامل مهمی که با شکل‌دهی به زیست‌بوم کسب‌وکارها و فعالیت‌های اقتصادی نقشی کلیدی در برآیند عملکرد اقتصاد کشور دارد، الگوی حکمرانی اقتصاد کشور و سیاست‌های برآمده از آن است. در لایه اول این الگو، ساختارها و فرایندهای کلان کشور جهت تعیین سیاست‌ها و قوانین اصلی قرار دارند. با توجه به اینکه نظام اداری کشور مبتنی بر پارادایم حقوق مدنی شکل گرفته است؛ اهمیت این ساختارها و فرایندها مضاعف می‌شود. تجربه گذشته و خصوصاً سالیان اخیر بیانگر این است که این ساختارها و فرایندها، به هیچ وجه، مناسب شرایط ویژه اقتصاد کشور نیست و در بهترین حالت، به دلیل زمان‌بر کردن فرایندهای تصمیم‌گیری، عملاً نیروی واکنش سریع اقتصاد کشور به تحولات و شوک‌های درونی و بیرونی را از کار انداخته است. به همین دلیل «شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» در بهار ۱۳۹۷ با تمهیدات رهبری ایجاد شد. هر چند این شورا نیز نتوانسته نقش نهاد فراقوه‌ای متولی برای توسعه اقتصادی کشور را



مطابق چارچوب مفهومی توسعه داده شده توسط محققان رصدخانه آتی کاو شریف، اقتصاد ایران درگیر تعارض منافع گسترده در میان گروه‌های ذینفع مهم و قدرتمند است. یکی از این گروه‌ها یعنی بروکرات‌های دولتی، در دهه‌های گذشته، به شدت درگیر فساد و رانت شده است. به نحوی که می‌توان گفت مدیران میانی در فضای سیاست‌گذاری و حکمرانی، کاملاً از دایره توسعه خارج شده‌اند و به سیاست‌گذاری توسعه‌محور در اقتصاد کشور کمکی نکرده و نخواهند کرد. وجود این طبقه فاسد، ضرورت برخورداری دولت از کابینه‌ای قوی، مسلط و هماهنگ برای اجرای موفقیت آمیز اصلاحات و جراحی‌های اقتصادی را دو چندان می‌کند.

گرچه عموماً سیاست‌های اقتصادی برآمده و متأثر از الگوی حکمرانی، ساختارها و فرایندهای مهم هستند؛ اما برخی سیاست‌های اقتصادی چنان ویرانگرند که ظرفیت حکمرانی دولت را بر امور کم اهمیت متمرکز می‌کنند و موجب رها کردن امور راهبردی و مهم می‌شوند. به عنوان مثال، سیاست سرکوب قیمتی، علاوه بر آسیب شدید به محیط کسب و کار، زمین بازی دولت را به گونه‌ای شکل می‌دهد که بخش قابل توجهی از وقت ارکان عالی دولت و قوای سه‌گانه، مصروف برنامه‌ریزی (عمدتاً ناموفق) برای کنترل قیمت برخی اقلام یا مقابله با تبعات و فسادهای ناگزیر از سرکوب قیمتی شود. در صورتی که هزینه شدت این نهادها و وقت آن‌ها برای جامعه به شدت بالاست. دهه‌هاست حکمرانان ما درگیر اموراتی این چنین هستند و فرصت‌های راهبردی و کلیدی مانند احیای جایگاه کلیدی ایران به عنوان هاب ترانزیتی منطقه و دنیا (با بالفعل کردن فرصت‌هایی مانند جاده ابریشم، مسیر کتان، کریدور شمال-جنوب، سووای‌های انرژی و...) را از دست داده‌اند. بماند که سیاست کنترل قیمتی عملاً منجر به بروز ناترازی انرژی در عین برخورداری از ذخایر بالای انرژی، برداشت زیاد از منابع غیرمجاز آبی و... شده است. به عبارت دیگر، در این دهه‌ها، ایران مصرف شده است؛ بدون اینکه سرمایه‌گذاری خاصی صورت پذیرد. متأسفانه در دولت سیزدهم هم، نه تنها، این سیاست‌های ویرانگر کنار گذاشته نشده‌اند؛ بلکه با تمرکز و تأکید بیشتر و بعضاً در قالب جدید (درج قیمت تولیدکننده روی محصولات) ادامه دارند. به دلیل اهمیت بالای این گونه سیاست‌ها، در بخش پرونده‌های ویژه به موضوع سرکوب قیمت و همچنین غلبه پارادایم مجوزمحوری بر محیط کسب و کار کشور پرداخته‌ایم.

شد دوره ۸ ساله آقای روحانی، بدون دستاوردی خاص در حوزه تغییرات و اصلاحات کلان اقتصادی به اتمام برسد. این نقیصه در دولت سیزدهم، نه تنها مرتفع نشده؛ بلکه به دلایل ساختاری مختلف، تشدید هم شده است.

بدون پرداختن به جزئیات، پیش‌بینی می‌شود تقابل سه دیدگاه متفاوت و در برخی موارد متضاد در تیم اقتصادی دولت سیزدهم طی سال ۱۴۰۱، در صورت توافق ایران با آمریکا در برنامه هسته‌ای تخفیف یابد و تیم دولت‌گرا و مرکزگرا بتوانند سیاست‌های خود را در اقتصاد کشور پیش ببرند. در این صورت دولت سیزدهم، چهار سال ابتدایی را بدون انجام اصلاحات جدی در اقتصاد کشور به اتمام خواهد رساند. در مدل اقتصادی ارائه شده در این گزارش، این سناریو، در صورت بروز توافق، به‌عنوان سناریوی اصلی مفروض گرفته شده است. اما اگر توافقی میان ایران و آمریکا صورت نگیرد، اختلافات درون تیم اقتصادی به شدت افزایش خواهد یافت و رئیس‌جمهور مجبور به تغییرات جدی در تیم اقتصادی خواهد شد. در آن شرایط، انتخاب عاقلانه این است که دولت، میان یکی از سه نحله‌ای که در تیم اقتصادی دولت حضور دارند، یکی را برگزیند و تمام تیم اقتصادی خود را بر آن مینا سامان دهد. اینکه کدام یک از نحله‌ها انتخاب خواهند شد، مشخص نیست؛ اما سناریویی که بیشترین منفعت را برای دولت و همچنین کشور خواهد داشت؛ انتخاب نحله آزادی‌خواه توسعه‌گرا در تیم اقتصادی است که اصلاحات اساسی در حوزه‌های انرژی، بانک و ارز را به همراه خواهد داشت و موجب افزایش رشد اقتصادی و کاهش تورم خواهد شد. در سایر سناریوها، اگر نحله‌های دیگر حاضر در تیم اقتصادی انتخاب شوند، دولت به سمت تمرکز بیشتر، توزیع رانت بیشتر و خلق ثروت کمتر، کنترل دولتی بسیار بیشتر و رشد اقتصادی کمتر حرکت خواهد کرد.

البته ممکن است تغییرات گسترده در تیم اقتصادی در سطح افراد رخ دهد؛ اما این تغییرات معنای خاصی به لحاظ تغییر جهت‌گیری اقتصادی دولت نداشته باشد و رئیس‌جمهور محترم همچنان بیش از یک نحله اقتصادی را در تیم اقتصادی حفظ کنند که این هم جز عدم امکان اصلاحات اقتصادی، عدم اتخاذ تصمیم‌های بزرگ و تشتت سیاست‌گذاری که نتیجه‌ای جز تورم‌های بالا و رشد‌های پایین نخواهد داشت، به همراه نخواهد آورد. این محتمل‌ترین سناریو در حالت عدم بازگشت آمریکا به برجام و با توجه به رویه فعلی دولت است.

عامل سوم در محیط حکمرانی و سیاست‌گذاری اقتصاد کشور، بروکراسی لخت و فاسد دولت است.